



## عربستان سعودی و اوپک

دومین افزایش قیمت‌ها در سال ۸۱-۱۹۷۹ تا زمان حاضر را در بر می‌گیرد. اما به هر حال اشاره به بخشی از پیش زمینه‌های قبلی پیرامون سیاست‌های عربستان در رابطه با قیمت نفت بدون تردید مفید خواهد بود.

در مقاله حاضر که تحت عنوان عربستان و اوپک نگارش یافته است، سعی شده که نقش برجسته‌ای که عربستان به عنوان بزرگترین صادرکننده و مالک ذخایر نفت در فعالیت‌های اوپک ایفا کرده مورد شرح و بررسی قرار گیرد. از لحاظ چارچوب زمانی، بررسی حاضر دوره ۲۰ ساله‌ای را در بر می‌گیرد که از

۱۶۷۶ چهار دو دستگی شد، فقط امارات با عربستان سعودی در مورد اتخاذ قیمتی کمتر از آنچه که اکثریت پذیرفته بود، همراه شد و در سال ۸۱-۱۹۷۹ نیز عربستان در مورد موضع قیمتی خود تنها مانده و منزوی شد.

انگیزه و شوق و رغبت عربستان در تمام این موارد از ترکیبی از منافع شخصی روشنفکرانه و توجه به منافع حیاتی دیگران نشأت گرفته بود. نکته قابل توجه در اینجا این است که همواره آهنگ مشخصی در صحبت رهبران عربستان در مورد قیمت‌ها تکرار می‌شود، یعنی آنها معتقدند نگرانی در مورد سلامت اقتصاد جهانی باعث می‌شود که از افزایش نامطلوب قیمت‌های نفت خودداری شود.

در واقع اگر افزایش قیمت باعث شود که

این دو جریان اقتصادی بود (یعنی اوضاع دشوار عرضه و تقاضا) و دیگری سیاسی (یعنی جنگ اکتبر سال ۱۳۷۳ اعراب و اسرائیل). در این جریان نقش‌های مزبور قابل مشاهده است. شاه ایران توانست اکثریت اوپک را برای چهار برابر کردن قیمت نفت سبک عربستان که شاخص قیمت نفت اوپک به حساب می‌آمد، متقاعد کند و در نتیجه توافق کردند قیمت اعلام شده شاخص نفت خام سبک عربستان که مرجع محاسبه به شمار می‌آمد، از ۳ دلار در بشکه به تقریباً ۱۲ دلار در بشکه برسد. در آن زمان عربستان بحث افزایش کمتر قیمت‌ها را مطرح کرده بود اما در نهایت با بی‌میلی تصمیم گرفت که با رأی اکثریت همراه شود. چند سال بعد وقتی که اوپک در مورد قیمت‌های نفت در دسامبر

درست از اواسط دهه هفتاد، ملاحظه می‌شود که عربستان سابقه مستمری در تعدیل قیمت‌های نفت داشته است. این سابقه عربستان با هیچکدام از اعضای اوپک قابل مقایسه نیست. در حالی که ایران چه در زمان شاه و چه بعد از انقلاب اسلامی همواره در جبهه کشورهای سرسخت بوده و عموماً نیز از سوی عراق، الجزایر و لیبی حمایت شده است.

عربستان گاهی اوقات توانسته است به حمایت متحدین خود در خلیج فارس امیدوار باشد. متحدینی نظیر امارات، کویت و قطر؛ اما به هیچ وجه این حمایت، دایمی نبوده است. برای مثال در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۳ شوک قیمت نفت اتفاق افتاد. این ماجرا به علت همگرایی گریزناپذیر دو جریان خاص به وجود آمد؛ یکی از

روند کسادی اقتصاد تشدید شود به ویژه اگر اقتصاد در وضعیت شکننده‌ای قرار داشته باشد، باید از افزایش قیمت‌ها اجتناب شود.

همچنین نگرانی از شوک‌های قیمت که می‌تواند جایگاه رقابتی نفت را به طور عام و نفت اوپک را به طور خاص از بین ببرد، باعث پرهیز آنها از قیمت‌های بالا می‌شد، این هراس در سال ۱۹۷۹-۸۱ به شدت احساس شد. وقتی در این سال‌ها افزایش شدید قیمت‌های نفت در طی چند سال تقاضا برای نفت اوپک را به نصف رساند، (که ناشی از ترکیب شدن تأثیرات رکود اقتصادی، صرفه‌جویی، جایگزینی سایر منابع انرژی و افزایش چشمگیر عرضه از سوی مناطق غیراوپک، نظیر دریای شمال، مکزیک و آلاسکا بود) این هراس به خوبی احساس شد. همراه با اوضاع اقتصادی، ملاحظات سیاسی نیز از راه رسید. اینکه شوک قیمت می‌تواند از لحاظ سیاسی غرب را همانند وضعیت اقتصادی دچار بی‌ثباتی کند نیز باعث هراس مقامات عربستان شد. در عین حال عربستان درصدد بود که خواست متحد اصلی خود در غرب یعنی آمریکا را نیز رعایت کند.

دربازنگری حوادث گذشته، تحولات قیمت در سال ۷۷-۱۹۷۶ نسبت به شوک قیمت ۸۱-۱۹۷۹ که توسط انقلاب ایران ایجاد شد (در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹) و بعداً نیز به خاطر جنگ ایران و عراق ادامه یافت (سپتامبر ۱۹۸۰)، اهمیت کمتری داشت.

تأثیر این ناآرامی‌های سیاسی بر صحنه نفت باعث شد که نظم قیمت از بین رفته و بازار در شرایط هراس‌انگیزی فرو رود. این هراس نیز از آنجا ناشی می‌شد که امکان داشت هر لحظه، عرضه باز هم به دلیل حوادث سیاسی دچار وقفه گردد. اگر چه اوضاع عرضه در مجموع از تعادل خارج نشده بود و تقاضای اساسی مصرف‌کنندگان قابل تأمین بود، اما واکنش ناخودآگاه دولت‌های مصرف‌کننده و شرکت‌ها چنین بود که آنها برای ذخیره‌سازی نفت و به حداکثر رساندن این ذخیره‌سازی‌ها هجوم آورده بودند. در واقع کمبود عرضه تا حدودی به دلیل ذخیره‌سازی کردن نفت ایجاد شده بود و خود ذخیره‌سازی نیز به این دلیل انجام می‌گرفت که در مقابل کمبود عرضه تضمینی فراهم شود.

در فاصله سال‌های ۸۱-۱۹۷۹ عربستان سعودی در صدد تعدیل قیمت‌های نفت بود این کشور از یک سود تولید خود را افزایش داده و در بیشتر روزهای آن دوره به حداکثر ظرفیت تولید

خود، ۹/۵ الی ۱۰ میلیون بشکه در روز رسانده بود و از سوی دیگر قیمت رسمی فروش خود را در سطحی کمتر از آنچه سایر تولیدکنندگان عرضه می‌کردند و حتی کمتر از بازار تک محموله نگاه داشته بود. همانند سال ۱۹۷۷ عربستان محدودیت شدید برای قیمت فروش مجدد نفت اعمال کرد که این موضوع بخشی از سیاست تعدیل قیمت این کشور به حساب می‌آمد. بر این اساس شرکت‌های سهام دار آرامکو (ARAMCO) باید نفت خام عربستان را به خریداران عمده و جزء خود به قیمتی بفروشد که از آنچه دولت عربستان تعیین کرده، بیشتر نباشد.

از نظر مصرف‌کنندگان، خشم ناشی از افزایش شدید قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۹ بر علیه اوپک و شرکت‌های نفتی جهت‌گیری شده بود و شرکت‌های نفتی متهم شدند که به دنبال سودجویی خود هستند. رییس جمهوری وقت امریکا (CARTER) دور افزایش قیمت اوپک در ژوئیه ۱۹۷۹ را مورد حمله قرار داد و گفت که این افزایش قیمت، ضرورتی نداشته و هیچ‌گونه ضمانتی در ادامه آن وجود ندارد. وی همچنین اعلام کرد که این قیمت‌ها باعث رکود اقتصادی، به مراتب شدیدتر از رکودهای قبلی خواهند شد. از دیدگاه عربستان، عدم همکاری مناسب دولت‌های مصرف‌کننده باعث شده بود که مصرف‌کنندگان نتوانند به طور مطلوب از تعدیل قیمت‌های نفت خام توسط عربستان سود ببرند. چنین اظهاراتی گهگاه در سخنان رهبران عربستان مشاهده می‌شد. همچنین ویلیام میلر (William Miller) وزیر خزانه‌داری امریکا در نوامبر ۱۹۷۹ بعد از دیداری که از ریاض داشت، گفت که رهبران عربستان از این موضوع ناراحت هستند که چرا شرکت‌های امریکایی نمی‌توانند منافع قیمت‌های پایین‌تر نفت خام عربستان را به مصرف‌کنندگان منتقل کنند (به صورت قیمت ارزان‌تری برای فرآورده‌های نفتی). در حقیقت عربستان می‌خواست به دیگران بفهماند که تصمیم برای قیمت‌ها در دسامبر ۱۹۷۹ (که به هر حال نتوانست فاصله قیمت با سایر کشورهای عضو اوپک را پوشاند چون آنها افزایش قیمت بیشتری را اعمال کردند)، ناشی از آن بود که دولت‌های مصرف‌کننده متوجه حجم یک سوم سودی شوند که به دلیل عدم کنترل موثر بر قیمت‌های فرآورده دارند.

افزایش قیمت‌های سال ۸۱-۱۹۷۹ (که با آثار باقی مانده از شوک قیمت ۷۴-۱۹۷۳ که

هنوز سیستم را تحت تأثیر خود داشت، همراه شده بود)، نتایج فاجعه‌باری برای کشورهای عضو اوپک داشت؛ یعنی به علت قیمت‌های بالا تقاضای جهانی برای نفت اوپک کاهش یافت. در نتیجه تولید اوپک به کمتر از نصف تقلیل پیدا کرد و از ۳۰/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۹ به ۱۴/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ تنزل کرد. در سمت تقاضا، مصرف انرژی در نتیجه پایین آمدن نرخ رشد اقتصادی، کاهش یافته و علاوه بر آن صرفه‌جویی انرژی و کارایی مصرف انرژی به دلیل افزایش قیمت‌ها، بهبود یافته بود.

در سمت عرضه نیز اوپک به عنوان تولیدکننده‌هایی (Residual Supplier) نه تنها از رقابت منابع جایگزین انرژی نظیر زغال سنگ، گاز و انرژی اتمی زیان می‌دید، بلکه سهم بازاریش نیز به خاطر گسترش سریع عرضه نفت منابع غیراوپک در حال کاهش بود.

کشورهای عضو اوپک به مدت چند سال به علت داشتن ذخایر مالی که طی سال‌های بحرانی ۱۹۸۱-۱۹۷۹ گردآوری کرده بودند، می‌توانستند این ضررها را تحمل کنند؛ اما سرانجام کاهش‌های پی در پی تولید، اعضای اوپک را واداشت حداقل به صورت موقت استراتژی سهم بازار را دنبال کنند. یعنی بر افزایش حجم تولید به جای دفاع از قیمت‌ها متمرکز شوند که بدون هیچ تعجیبی به برخورد قیمت‌های سال ۱۹۸۶ منجر شد. فشاری که بر قیمت‌ها در این زمان وارد می‌آمد، از سوی عامل دیگری نیز تشدید می‌شود. یعنی از اواسط سال ۱۹۸۱ ذخیره‌سازی نفت توسط شرکت‌ها در آن سال‌های بحرانی صورت گرفته بود که اکنون به آن نیازی نبود و ذخیره اضافی به شمار می‌آمد و قیمت‌ها را تحت فشار قرار می‌داد. علاوه بر آن در سال‌های منتهی به برخورد قیمت‌ها در ۱۹۸۶، عربستان دچار کاهش حجم تولید سهم بازار شده بود. اغلب کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک با توجه به رقابت تنگاتنگ و عرضه همیشه در حال افزایش کشورهای غیراوپک براساس قیمت‌های بازار آزاد، برای اینکه حجم تولید خود را ثابت نگاه دارند، به تخفیف‌های پنهان و آشکار متوسل شدند و نفت خود را به کمتر از قیمت‌های رسمی (Official Prices) عرضه کردند. فقط عربستان بود که به عنوان تولیدکننده شناور (Swing Producer) سطح قیمت خود را حفظ کرده بود و نفت خود را به کمتر از قیمت‌های رسمی نمی‌فروخت.

نتیجه قابل پیش‌بینی چنین رویه‌ای بود که صادرات عربستان به طور چشمگیری کاهش یافت. تا فرارسیدن سه ماهه سوم در سال ۱۹۸۵، تولید عربستان (که متوسط آن به ۱۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۱ رسیده بود) به ۲ میلیون بشکه در روز تنزل کرد که فقط ۵۰۰ هزار بشکه در روز بیش از مقداری بود که عربستان برای پوشش دادن پالایشگاه‌های داخلی و مصرف خود نیاز داشت. در این میان عربستان به همکاران اوپکی خود اخطار می‌کرد که تأثیرات بی‌نظمی دایمی قیمت‌ها این کشور را وادار می‌کند که روش دیگری را (که آزادی مشابهی را در اختیارش قرار می‌دهد) در پیش گیرد. البته هیچ کس به این اخطارها توجهی نکرد. از دست دادن سهم بازار در سال ۱۹۸۵ با این شدت، علت اصلی بود که باعث شد که عربستان نقش تولیدکننده شانور را رها کند.

بنابراین در تابستان سال ۱۹۸۵، عربستان تصمیم گرفت که وضع سهم بازار خود را سروسامانی دهد. عربستان این کار را با امضای توافق فروش نفت به مشتریان عمده خود براساس فرمول‌های قیمت مبتنی بر بازار که بر مبنای قیمت‌های فرآورده‌های پالایش شده محاسبه می‌شود، انجام داد. این اقدام در تحویل مجدد موقعیت عربستان در بازار نفت موثر بود؛ اما باید به این نکته اشاره داشت که سیستم قیمت ثابت اوپک (OPEC's Fixed Price System) از بین رفته بود. به غیر از برهه کوتاه و ناموفقی که برای احیای قیمت‌گذاری بابت نفت خام اوپک در سال‌های ۸۷-۱۹۸۶ صرف شد، از آن به بعد تا امروز قیمت‌گذاری مرتبط با بازار که مبتنی بر قیمت‌های تک محموله نفت خام‌های شاخص است رواج یافته و نظم بازار را به دست گرفت.

همانند افزایش شدید قیمت‌های نفت در سال‌های ۷۴-۱۹۷۳ و ۸۱-۱۹۷۹، علت بحران‌های عمده بعدی که در اطراف اوپک و خاورمیانه اتفاق افتاد، عمدتاً سیاسی و نظامی بودند. این بحران عبارت بودند از حمله عراق و کویت و اشغال این کشور در اوت ۱۹۹۰، تحریم سازمان ملل علیه صادرات نفت عراق و کویت (اشغال شده) و سرانجام آزادسازی کویت توسط ائتلاف چند ملیتی زیر نظر سازمان ملل و با هدایت امریکا در ژانویه و فوریه سال ۱۹۹۱.

در ماه اوت مسأله اساسی که هم اوپک و هم جهان به طور عام با آن مواجه شده بودند، این بود که چگونه ۴ میلیون بشکه در روز صادرات



## اُزانس بین‌المللی انرژی (IEA)

### اخیراً تخمین زده است

### رشد تقاضای نفت

### برای سال ۲۰۰۱

به ۱۲۰ هزار بشکه در روز

کاهش می‌یابد در حالی که

پیش‌بینی اولیه رشد تقاضا

برای سال ۲۰۰۱ که توسط

این اُزانس صورت گرفته بود،

در سطح ۱/۹ میلیون بشکه در روز

قرار داشت

نفت عراق کویت را که از بازار خارج شده بود جایگزین کنند. از ابتدا معلوم بود که حجم عمده این جایگزین عرضه باید از سوی عربستان تأمین می‌شد که در سال‌های ۸۱-۱۹۷۹ در حدود ۹ الی ۱۰ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید می‌کرد و قبل از هجوم عراق به کویت تولیدش به ۵/۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود. به هر حال حجم عمده‌ای از ظرفیت تولید نفت عربستان در سال‌هایی که تقاضا در سطح پایینی قرار داشت، همچنان دست نخورده باقی مانده بود و اکنون احتیاج به آن داشت که به خوبی بر روی آن کار شود تا آماده عرضه شود. در این فاصله برنامه آماده سازی این ظرفیت به سرعت پیگیری شد و عربستان توانست که در طی چند ماه بخش عمده‌ای از ظرفیت اولیه خود را بازیابی کند و در نتیجه تولید واقعی عربستان ۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و از ۵/۴ میلیون بشکه در روز در ژوئیه و اوت به ۸/۴۶ میلیون بشکه در روز در ژوئیه و فوریه سال ۱۹۹۰ افزایش یافت. با توجه به افزایش تولید ایران (تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز)، ونزوئلا (تا ۳۵۰ هزار بشکه در روز)، امارات (تا ۳۵۰ هزار بشکه در روز) و نیجریه (تا ۱۵۰ هزار بشکه در روز)، مجموع تولید اوپک در دسامبر ۱۹۹۰ به سطح ۲۳/۸۶ میلیون بشکه در روز افزایش یافت که تقریباً ۴۰۰ هزار بشکه در روز بیش از تولید عادی این سازمان قبل از هجوم عراق به کویت بود. بنابراین

کمبود عرضه‌ای که باعث هراس شده بود به زودی برطرف شد.

تأثیر جبران عرضه که از عراق و کویت قطع شده بود بر قیمت‌های نفت به وضوح قابل مشاهده بود. در بحران سال‌های ۷۴-۱۹۷۳ و ۸۱-۱۹۷۹ خرید به علت هراس از کمبود، آن هم در بازارهای غیر شفاف تا حد زیادی بر استمرار روند صعودی قیمت‌ها تأثیر داشت. اما در زمان جنگ خلیج فارس در سال ۹۱-۱۹۹۰ تأثیر کمبود نفت بر قیمت‌ها بسیار کوتاه بود، زیرا از یک سو بازار نفت پیچیدگی و شفافیت بیشتری پیدا کرده بود و از سوی دیگر تولیدکنندگان نفت به سرعت در سمت عرضه به این کمبود واکنش نشان دادند (البته شکست نظامی سریع عراق نیز مؤثر بود). برای دوره کوتاهی که تقریباً ۳ ماه طول کشید یعنی از سپتامبر الی نوامبر ۱۹۹۰ قیمت نفت خام تک محموله برنت در سطح ۲۰ الی ۳۵ دلار در بشکه قرار گرفت. در حالی که در ژوئیه ۱۹۹۰ در سطح ۱۷ دلار در بشکه قرار داشت و تا نیمه دوم ژانویه سال ۱۹۹۱ به سطح عادی ۱۸ الی ۲۰ دلار در بشکه بازگشت.

هم اکنون اوپک با توجه به وظیفه‌ای که برای خود به عنوان تنظیم‌کننده عرضه نفت فایل شد، سعی دارد قیمت‌های نفت خام در محدوده ۲۸-۲۲ دلار در بشکه برای سبب اوپک باقی بماند؛ اما در چند سال گذشته قیمت‌های نفت با نوسانات شدید روبه‌رو شود به نحوی که قیمت‌های تحقق یافته نفت بین محدوده‌ای کمتر از ۱۰ دلار در بشکه و بیش از ۳۵ دلار در بشکه در طی دوره ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ در نوسان بود. در طی این سال‌ها روند تحولات بازار نفت نقاط اوج و حضيض بسیاری را پشت سر گذاشته که جلوه بارز آن را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: در سال ۱۹۹۸ در پاسخ به سقوط قیمت‌ها (به کمتر از ۱۳ دلار در بشکه) که به علت بحران اقتصادی آسیا به همراه عرضه مازاد و بیش از واقع تخمین زدن رشد تقاضا اتفاق افتاده بود، تولیدکنندگان نفت عضو اوپک (با حداقل ۱۰ کشور از ۱۱ کشور عضو) تصمیم گرفتند که از آوریل تا ژوئیه تولید خود را به میزان چشمگیر (۲/۶ میلیون بشکه در روز) کاهش دهند و به این ترتیب تولید اوپک از ۲۷ میلیون بشکه در روز به ۲۴/۴ میلیون بشکه در روز برای ۱۰ کشور اوپک کاهش یافت. به هر حال پای‌بندی به کاهش تولید واقعی خیلی کمتر از میزانی بود که بر روی کاغذ توافق شده بود (به ویژه در مورد ایران و

و نزوئلا). این کاهش تولید هیچ گونه تأثیر مثبتی بر قیمت‌ها نداشت و قیمت‌ها حتی به کمتر از ۱۰ دلار در بشکه در اوایل سال ۱۹۹۹ تنزل کرد. هراس تولیدکنندگان نفت ناشی از آن بود که قیمت‌های نفت به کمتر از آن حدی تنزل کرده بود که بتواند نیازهای بودجه‌ای آنها را برآورده کند. این موضوع باعث شد که سرانجام کشورهای عضو اوپک به اقدام جمعی دست بزنند. در مارس ۱۹۹۹ بعد از مذاکرات شمر بخشی که توسط عربستان سعودی پیگیری شد، ۱۰ کشور عضو اوپک به توافق معتبری در مورد کاهش تولید به میزان ۱/۷ میلیون بشکه در روز دست پیدا کردند که قرار بود از اول آوریل اجرا شود و این توافق به طور متوسط با ۹۰ درصد پایبندی به تعهد کاهش تولید اجرا شد. به این ترتیب قیمت‌ها نیز به اقدام واکنش نشان داده و تا پایان دسامبر ۱۹۹۹ قیمت‌ها به بیش از ۲۴ دلار در بشکه (برای سب اوپک) افزایش یافت. این در حالی بود که ذخیره‌سازی تجاری نفت در کشورهای OECD به کمترین سطح خود در آن دهه تنزل کرده بود. کاهش تولید اوپک از سوی کشورهای مکزیک و نروژ نیز تا حدودی خوش آمد گفته شد و آنها نیز تولید خود را کاهش دادند. بنابراین در فوریه سال ۲۰۰۰ با افزایش قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا (WTI) به حدود ۳۰ دلار در بشکه، شرایط به این صورت تغییر یافت که دیگر موضوع کاهش تولید مطرح نبود بلکه بحث‌ها بر روی افزایش تولید متمرکز شد تا از افزایش غیرقابل تحمل قیمت‌ها جلوگیری شود. بنابراین زیر فشار سنگین کشورهای مصرف‌کننده نفت به ویژه امریکا، ۱۰ کشور عضو اوپک توافق کردند که سهمیه‌های تولیدی خود را به میزان ۱/۷ میلیون بشکه در روز از اول آوریل افزایش دهند بنابراین دقیقاً کاهش‌های تولیدی که در آوریل ۱۹۹۹ آغاز شده بود، با افزایش تولید جبران شد، اما با توجه به اینکه قیمت‌ها نتوانست روند نزولی مناسبی را طی کند و قیمت نفت خام برنت نیز بعد از آنکه مدت کوتاهی در ژوئیه به ۲۶ دلار در بشکه تنزل یافته بود مجدداً روند صعودی به خود گرفت و به بیش از ۳۶ دلار در بشکه در هفته اول سپتامبر افزایش یافت. در این حالت باز هم ۱۰ کشور عضو اوپک تصمیم گرفتند که تولید خود را افزایش دهند

و به این ترتیب چراغ سبز افزایش تولید را دریافت کرده و در ژوئیه (۷۸۰ هزار بشکه در روز) در اکتبر (۸۰۰ هزار بشکه در روز) و در نوامبر (۵۰۰ هزار بشکه در روز) تولید خود را افزایش دادند به گونه‌ای که افزایش تولید در مجموع به ۳/۷ میلیون بشکه در روز بالغ شد.

وقتی در دسامبر سال ۲۰۰۰ قیمت‌ها سرانجام روند نزولی به خود گرفت - البته نه چندان زیاد و به حدود ۲۵ دلار در بشکه رسید - طبیعی بود که توجه اوپک به چشم‌انداز عرضه و تقاضا برای سال ۲۰۰۱ جلب شود و خطر ضعف بیشتر قیمت‌ها در سه ماهه دوم سال در صورت عدم کاهش تولید اوپک مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه ۱۰ کشور عضو اوپک وارد وضعیت کاهش تولید شدند و تاکنون در فوریه ۲۰۰۱ تولید خود را ۱/۵ میلیون بشکه در روز و در آوریل ۱ میلیون بشکه در روز و در سپتامبر ۱ میلیون بشکه در روز کم کرده‌اند و به این صورت تا این تاریخ در سال جاری تولید اوپک ۳/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. در نتیجه ملاحظه می‌شود که افزایش تولید قبلی با کاهش تولید خنثی شد.

در بیشتر ایام سال ۲۰۰۱ کاهش سهمیه‌های اوپک توانسته متوسط قیمت سب اوپک را به راحتی در داخل محدوده هدف (۲۲ الی ۲۸ دلار در بشکه) نگاه داشته و مدیریت کند. اما در ۲۴ سپتامبر قیمت سب اوپک به کمتر از ۲۲ دلار در بشکه تنزل کرد که کف محدوده پایینی مزبور بود و از آن زمان تا کنون نیز به همان صورت در پایین‌تر از محدوده باقی مانده است. در این مدت نیز اوپک از فعال کردن مکانیزم مورد توافق خود (که در صورت کاهش قیمت سب اوپک به زیر ۲۲ دلار در بشکه برای ۱۰ روز متوالی اجازه

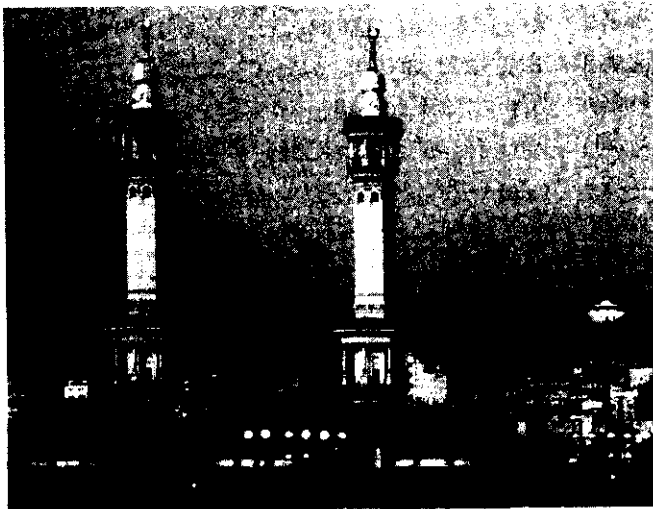
می‌دهد سهمیه‌ها به میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد)، خودداری کرده است. به هر حال مشورت‌ها و مذاکرات فشرده‌ای در سطوح بالا بین کشورهای عضو اوپک در جریان است و به نظر می‌رسد که برای کاهش دیگری در حدود ۱ میلیون بشکه در روز در آینده نزدیک به توافق برسند، به همین صورت مذاکرات پیچیده‌ای نیز برای کسب همکاری کشورهای اصلی غیر اوپک مانند روسیه، مکزیک و نروژ به منظور کاهش تولید آنها نیز در جریان است.

با این وجود، هر چه در مورد میزان کاهش تولید اتفاق افتد هنوز هم دام‌های خطرناک آشکاری است. تنظیم موفقیت‌آمیز عرضه برای حفظ کردن قیمت هدف وقتی که اقتصاد جهانی در سلامت و قدرت کامل است و تقاضای نفت نیز به خوبی رشد می‌کند، یک چیز است و تلاش برای همین امر وقتی که اقتصاد جهانی و رشد تقاضای نفت دچار ضعف و روند نزولی شده (از رکود چیزی نمی‌گوییم) و وقایع فاجعه بار یازدهم سپتامبر امریکا نیز آن را تشدید کرده است، چیز دیگری است. این دو وضعیت کاملاً با یکدیگر فرق می‌کنند.

برای مثال در جهت تقاضا، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) اخیراً تخمین زده است رشد تقاضای نفت برای سال ۲۰۰۱ به ۱۲۰ هزار بشکه در روز کاهش می‌یابد. در حالی که پیش‌بینی اولیه رشد تقاضا برای سال ۲۰۰۱ که توسط این آژانس صورت گرفته بود، در سطح ۱/۹ میلیون بشکه در روز قرار داشت. این پیش‌بینی اولیه در تابستان سال ۲۰۰۰ وقتی که انتظار می‌رفت رشد اقتصادی امریکا و جهان با قدرت ادامه یابد انجام شده بود. علاوه بر آن رشد تقاضای تخمینی به میزان ۱۲۰ هزار بشکه در

روز بسیار کمتر از افزایش ۷۰۰ هزار بشکه در روز عرضه پیش‌بینی شده غیر اوپک است. انتظار می‌رود که سناریوی مشابهی در سال ۲۰۰۲ نیز تکرار شود؛ زیرا براساس پیش‌بینی‌های آژانس بین‌المللی انرژی رشد تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۰۲ به میزان ۶۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود، در حالی که افزایش عرضه غیر اوپک به ۹۰۰ هزار بشکه در روز بالغ شده و بسیار فراتر از رشد تقاضا خواهد بود.

چنین سناریویی هیچ‌گونه جایی را برای رشد عرضه اوپک در



سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به جا نمی‌گذارد.

علاوه بر تصویر ملالت‌انگیز تقاضا، در سمت عرضه نیز به نظر می‌رسد مشکل قابل توجه پایداری به سهمیه‌ها چهره زشت خود را یکبار دیگر به اوپک نشان می‌دهد.

براساس تخمین‌های نشریه «میس» (Mees) تولید واقعی ۱۰ کشور عضو اوپک در ماه سپتامبر در سطح ۲۴/۳ میلیون بشکه در روز قرار داشته است که در حدود ۱/۱ میلیون بشکه در روز بیشتر از سهمیه ۲۳/۲ میلیون بشکه در روز اوپک است، رعایت مناسب سهمیه‌ها کلید اصلی برنامه تنظیم موثر عرضه اوپک است و هنگامی که سهمیه‌ها رعایت نمی‌شود کل سیستم با مشکل روبرو می‌شود.

به نظر می‌رسد ظرفیت مازاد تولید، مشکل دیگری را ایجاد کرد است. بعد از دور دیگر کاهش سهمیه‌ها که از اول سپتامبر اجرا شد، ظرفیت مازاد ۱۰ کشور اوپک به ۶ میلیون بشکه در روز رسید که نیمی از آن در عربستان سعودی قرار دارد. وجود ظرفیت مازاد چشمگیر و سوسه تولید بیش از سهمیه را ایجاد می‌کند. علاوه بر آن کشورهای غیراوپک تنها منبع اضافه شدن ظرفیت در آینده نیستند، بلکه برنامه‌های قابل توجهی به کمک شرکت‌های بین‌المللی نفتی در بسیاری از کشورهای عضو اوپک در جریان است که شامل کشورهای نظیر ایران، کویت، قطر، الجزایر، لیبی، نیجریه و ونزوئلا هستند و عراق نیز در صورت لغو تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند به سادگی ۳ میلیون بشکه دیگر در روز نیز به ظرفیت فعلی خود بیفزاید.

در حال حاضر سؤال دیگری نیز مطرح می‌شود که برنامه‌ریزان کشورهای عضو اوپک باید بیشتر به آن بیندیشند. در شرایط فعلی و چشم‌انداز آتی بازار نفت آیا هدف قیمت ۲۵ دلار در بشکه خیلی بالاتر از آن مقدار نیست که به بهترین شکل منافع اوپک را پاسخ بدهد؟

## نظریه کارشناسی

مقاله حاضر توسط یان سیمور سردبیر نشریه میس (MEES) در کنفرانس «نقش توسعه‌ای خدمات حمایتی برای صنایع نفت و انرژی عربستان» ایراد شده است. این سمینار در تاریخ پنجم الی هفتم نوامبر ۲۰۰۱ در ریاض پایتخت عربستان برگزار شد. نویسنده مقاله مورد بررسی، برای عربستان



## رعایت مناسب سهمیه‌ها

### کلید اصلی

### برنامه تنظیم موثر

### عرضه اوپک است

### و هنگامی که

### سهمیه‌ها رعایت نمی‌شود

### کل سیستم

### با مشکل روبرو می‌شود

که کشورهای غیراوپک نیز تولید خود را به میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهند. این شرایط تا جایی پیش رفت که قیمت سبد اوپک به کمتر از ۱۷ دلار در بشکه تنزل کرد و سرانجام کشورهای غیراوپک پذیرفتند که تولید خود را به میزان ۴۶۲ هزار بشکه در روز کاهش دهند. اوپک در اجلاس مشورتی خود در دسامبر ۲۰۰۱ با پذیرش عقب نشینی کشورهای غیراوپک بار دیگر سیاست کاهش تولید خود را مورد تأکید قرار داد، در نتیجه تولید اوپک از ابتدای سال ۲۰۰۲ به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و به این ترتیب مجموع کاهش تولید اوپک که در سال ۲۰۰۱ تصویب شد، و به ۵ میلیون بشکه در روز بالغ شد. در این بین عربستان یکی از حامیان اصلی کاهش تولید بود که از کشورهای غیر اوپک نیز خواست که تولید خود را کاهش دهند تا قیمت‌های نفت تقویت شود.

بنابراین آنچه به وضوح از عملکرد عربستان برمی‌آید این است که سیاستگذاران نفتی این کشور بیش از آنچه تعدیل قیمت‌ها را هدف اصلی خود قرار دهند هدف درآمدی را در صدر اولویت‌های خود قرار داده و با توجه به سهم بازار در جهت تحصیل هدف درآمدی می‌کوشند. درک این موضوع و سیاست نفتی عربستان، سیاست‌گذاران سایر کشورهای نفتی عضو اوپک را قادر می‌کند که در تعامل با این کشور از تلقی درستی نسبت به اقدامات آنها برخوردار شوند و در چانه زنی‌های خود موقعیت مناسب‌تری را اتخاذ کنند به عبارت دیگر مقامات نفتی و سیاسی عربستان نمی‌توانند حمایت از قیمت‌ها را به عنوان یک ابزار چانه‌زنی مورد استفاده قرار دهند؛ زیرا این هدف جزو اولویت‌های اصلی آنها قرار گرفته که عملکرد این کشور نیز موید همین موضوع است.

نقش تعدیل‌کننده قیمت را تعریف کرده است و آن را صورت یک هدف اساسی در سیاست‌های نفتی عربستان تلقی کرده که همواره مسؤلان نفتی این کشور در صدد حمایت از آن هدف هستند. آنچه نویسنده این مقاله و سایر تحلیل‌گران بازار نفت را بر آن داشته است که چنین نقشی را برای عربستان در نظر بگیرند، وقایع سال ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ است که به جنگ قیمت و کاهش قیمت‌ها به حدود صفر دلار در بشکه منجر شد.

به نظر می‌رسد آنچه برای عربستان اهمیت ویژه‌ای دارد، هدف درآمدی است که مقامات نفتی این کشور با توجه به قید سهم بازار در صدد تأمین آن هستند. هرگاه سهم بازار عربستان به گونه‌ای کاهش می‌یابد که هدف درآمدی آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد، سیاست‌گذاران این کشور به سرعت وارد عمل شده و به تنظیم بازار می‌پردازند. این عملکرد و سیاست‌گذاری در سال ۱۹۹۰-۱۹۹۸ که عربستان به همراه کشورهای ونزوئلا و مکزیک تلاش مستمری برای کاهش تولید اوپک و غیراوپک به منظور حفظ قیمت‌های نفت‌های نفت انجام داد کاملاً مشهود است.

سال ۲۰۰۱ نیز عربستان مجدداً موضوع کاهش جدی تولید غیراوپک را مطرح کرد و حتی وزیر نفت این کشور، علی النعیمی، در مصاحبه خود بحث جنگ قیمت‌ها را مطرح کرد و سرانجام اوپک در این اجلاس تصمیم گرفت که تولید خود را از ابتدای ژانویه ۲۰۰۲ به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش دهد، به شرطی

منبع:

بولتن شماره ۴۲ تحولات بازار نفت - موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی